

# پوشش بانوان

## و حکم فقهی آن



حجة الاسلام والمسلمین  
قدیری

بسم الله الرحمن الرحيم

احکام نورانی اسلام عزیز بر اساس مصالح و مفاسدی است که شارع مقدس بملاحظه آنها، جعل احکام فرموده است. و لذا گفته میشود که: "واجبات و محرمات شرعیه الطائفه در واجبات و محرمات عقلیه، ومعنای این عبارت این است که همان مصلحتها و مفسدههایی که اگر عقل به آنها برسد و آنها را درک کند، بر طبق آنها حکم می کند، شارع مقدس نیز بر طبق آن حکم فرموده است."

و حکم پوشش بانوان از این احکام شریفه است، که قطعا بر حسب مصالحی جعل شده است. علمای اعلام در این بحث گاهی اشاره به علت و فلسفه حجاب فرموده اند، لکن چون بنای این مقاله بر بحث در پیرامون مسأله پوشش از دید فقهی و اشاره اجمالی به ادله آن است، ما از ذکر انگیزه این حکم و فلسفه آن چشم پوشی می کنیم، و فقط مسأله را بیان می نمایم. و قبل از آن، دقتی را که علامه بزرگوار و شهید عالی مقدار مرحوم آیه الله مطهری رضوان الله تعالی علیه در معنای حجاب فرموده اند، بنظر خوانندگان میسرانیم:

لغت حجاب بمعنای برده است، و در قرآن کریم نیز به این معنی آمده است:

"حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ"

یعنی تا آن وقت که خورشید در پشت پرده مخفی شد. و در دستوری که امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر نوشت است میفرماید:

"فَلَا تَطْوِئَنَّ احْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ"

یعنی در میان مردم باش. کمتر خود را در اندرون خانه خود از مردم پنهان کن. حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار بده تا ضعیفان و بیچارگان بتوانند نیازمندیها و شکایات خود را به گوش تو برسانند، و تونیز از جریان امور بی اطلاع نباشی.

آنچه بر زن واجب است حجاب به این نحو نیست، چون وظیفه پوشش که اسلام بر زنان مقرر کرده است، به این معنی نیست که از خانه بیرون نروند، زندانی گردن و حبسوزن در اسلام مطرح نیست.

پوشش زن در اسلام اینست که، زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بیپوشاند و به جلوه گیری و خودنمایی نپردازد. بنا بر این آنچه بر زن واجب است ستر است نه حجاب یعنی بر زن واجب است خود را از نامحرم بپوشاند، نه اینکه خود را پشت پرده یا در خانه مخفی و زندانی کند. و در آیات و روایات هم کلمه حجاب بکار نرفته، بلکه ستر و پوشش را ذکر می کند. و در موردی هم که کلمه حجاب را ذکر فرموده، مربوط به این مسأله نیست، و آن حکمی است مربوط به زنهاى بیغیر اکرم صلی الله علیه و آله و مختص به آنها و آیه اینست:

"وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ  
"مِنْ وَّرَائِهِنَّ حِجَابًا"

اگر از آنها متاع و کالای مورد نیاز می مطالبه می کنید، از پشت پرده از آنها بخواهید. فقها عظام در دوجای فقه: کتاب الصلاة و کتاب النکاح، متعرض این مسأله شده اند، و در آن کلمه "ستر" را به کار برده اند نه کلمه حجاب را. و همین مطلب میتواند جواب

عدای باشد که گمان می کنند اسلام خواستار است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. خلاصه مسأله مورد بحث این است که بر زن واجب است تمام بدن خود را از نامحرم بپوشاند، البته دستها و صورت از این حکم مستثنی است، مگر اینکه در باز بودن آن مفسدهای مترتب شود، و بر مرد حرام است بغیر از دست و صورت زن نامحرم نظر کند هر چند قصد لذت بردن نداشته باشد. قبل از بحث باید معلوم باشد که نگاه کردن اگر از روی شهوت باشد حرام است حتی در مورد دست و صورت (وجه و کفین) بلکه نظر به محارم یا نظر به هم جنس، بلکه هر گونه نظر اگر به شهوت باشد جایز نیست. و اجماع و ارتکاز متشرعه بر این مطلب قائم است. و همچنین نظر اگر مستلزم فساد یا خوف وقوع در حرام باشد جایز نیست اجماعا (بنا بر اجماع فقها) و مورد مسأله ما جایی است که نظر از روی شهوت نباشد و خوف وقوع در حرام هم نباشد.

این دو جهت باید مورد بحث قرار گیرد:

- ۱- وجوب ستر بر زن و حرمت نظر بر مرد
- ۲- جواز نظریه وجه و کفین (صورت و دستها) و عدم وجوب ستر.

وجوب ستر بر زن، و حرمت نظر بر مرد:

این مطلب بنحو اجمال اجماعی است بلکه ضروری مذهب است، چنانکه در "جواهر الکلام" آمده است. و هر چند وجوب ستر بر زن و حرمت نظر بر مرد دو حکم مختلف هستند، لکن فقها این دو حکم را ملازم یکدیگر قرار داده اند که هر جا نظر مرد به زن حرام است، پوشش بر زن واجب است، و هر جا نظر مرد حرام نیست، پوشش زن هم واجب

## برزن واجب است تمام بدن خود را از نامحرم

پوشاند، البته دستها و صورت از این حکم مستثنی است مگر اینکه در باز بودن آن مفسده‌ای مترتب شود.



«يَا مَدْيَنِيَّةُ، وَكَانَ النَّبِيُّ يَتَقَنَّ»  
 «خَلْفَ آذَانِهِنَّ، فَتَنظُرُ إِلَيْهَا»  
 «وَهِيَ مُقْبِلَةٌ، فَلَمَّا جَارَتْ نَظَرَ إِلَيْهَا»  
 «وَدَخَلَ فِي ذِقَاقِ قَدِّ سَهَاءِ بَيْتِي»  
 «فَلَانُ، فَتَنظُرُ خَلْفَهَا وَاعْتَرَفَ»  
 «وَجَبْهَةَ عَظْمٍ فِي الْحَائِطِ أَوْ رِجَالِهَا»  
 «فَشَقَّ وَجْهَهُ، فَلَمَّا مَضَتِ الْعُرَا قَنَظَرَ»  
 «فَإِنَّا الْيَمَانِيَّةُ تَسْتَلُّ عَلَيَّ تَوْبَةً وَصَدْرَهُ»  
 «فَقَالَ: وَاللَّهِ لَأَتَيْنَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص)»  
 «وَأَخْبِرْتَهُ، فَأَنَاهُ فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ»  
 «اللَّهِ (ص) قَالَ: مَا هَذَا؟ فَأَخْبَرَهُ»  
 «فَسَمِعَ جَبْرَيْلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ (ص) قَوْلَهُ:»  
 «يَلْمُؤُا بَيْنَهُنَّ...» (۱)

ترجمه: حضرت جبرئیل علیه السلام فرمود: «...»

جوانی از اصرار در مقابل رسی، در مدینه قرار گرفت - و زنها مقنعه خودشان را پشت گوشها می بستند که مقداری از سرومقنعه از ریادی از گردی صورتشان باز بود - این جوان به آن زن نگاه کرد، و نگاه خود را ادامه داد تا زن عبور کرد، و مرد داخل کوجه شد، و باز نظر را به دنبال آن زن ادامه داد تا اینکه استخوان پا شیشای که در دیوار کوجه بود به صورت او خورد و او را مجروح کرد و خون بر لباس و سینه او جاری شد، آن مرد قسم خورد که نزد پیغمبر (ص) میروم و به او خبر میدهم وقتی خدمت حضرت رسید، و پیغمبر (ص) او را دید فرمود این جراحت چیست؟ جوان ماجرا را به حضرت خبر داد، جبرئیل نازل شد و این آیه شریفه را آورد.

معلوم است که این نظر، از روی شهوت بوده نه مطلق نگاه کردن. و گفتیم نظرا از روی شهوت از محل بحث خارج است، و حرمت آن مسلم

نیست، و لذا آنجا که علماء ادله نظر را ذکر می کنند، بلافاصله ادله ستر را هم بیان می کنند، و علت آن ملازمه ای است که بین دو حکم در این مورد بخصوص ثابت است. در هر صورت، برای اثبات وجوب ستر و حرمت نظر، به بعضی آیات شریفه قرآن استدلال شده است، که از جمله آنها دو آیه ۳۱ و ۳۲ سوره نور است:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ»  
 «وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ، ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ»  
 «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ.» وَ قُلْ  
 «لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ  
 «يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»  
 «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا، وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ  
 «عَلَى جُيُوبِهِنَّ، وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»  
 «إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...»

به مردان مؤمن بگو دیدگان فروخواهند و دامن ها را حفظ کنند، این برای شما پاکیزه تر است، و خدا بدانچه می کنید آگاه است. به زنان مؤمنه بگو دیدگان خویش را فروخواهند و دامنهای خویش را حفظ کنند و زیور خویش را آشکار نکنند مگر آنچه پیداست. سرپوش های خویش بر گریبانها بزنند. زیور خویش آشکار نکنند مگر برای شوهران یا پدران... دلالت آیه شریفه خالی از تا صل نیست. چون غض بصر غیر از ترک نظر است، و حفظ فرج غیر از ستر بدن است. و معنای غض بصر کاهش دادن نگاه است، خیره نشدن و تماشا نکردن است، چنانکه در «مجمع البیان» در ذیل آیه کریمه می گوید:

«أَصْلُ الْغَضِّ لِنَقْصَانِ رِيْشَةِ مَعْنَى "غَضَّ" كَاشَتْ وَ كَمَى اسْت.»  
 «يُقَالُ غَضِرْتُ صَوْتِي وَمِنْ بَصَرِي نَقَصْتُ»  
 وقتی که ماده غض به صوت (صدا) یا بصر (دید) نسبت داده میشود یعنی آن را کاهش داد. بنا بر این معنای «يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» این است که نگاه را کاهش دهند و خیره نگاه نکنند، و بنظر استقلالیه که دقت کردن در خود شخص و ورنه انداز کردن او است نظر ننمایند. و این معنی غیر از این است که اصلا به او نگاه نکنند. پس از آیه شریفه حرمت نظر بنحو مطلق اثبات نمیشود، بلکه قدر متیقن از آن، نظر با شهوت است. بخصوص با ملاحظه تان نزول آیه کریمه که در «کافی شریف» مرحوم کلینی نقل میفرماید در وسائل الشیعه هم از آن جا ذکر نموده، و آن روایتها نیست:

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:»  
 «اسْتَقْبَلَ شَابٌّ مِنَ الْأَنْصَارِ امْرَأَةً»

و اجماعی است. آری فی الجمله وجوب ستر بر زنها از این آیات استفاده میشود، و در مطالب بعد ذکر خواهد شد.

اینک به بررسی آیه دیگر می پردازیم: آیه ۶۰ از سوره نور چنین میفرماید: «وَأَلْقَا عِدَمَ النَّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ»  
 «يُنْكَحًا، فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ»  
 «ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ، وَ»  
 «أَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

زنان بازنشسته که امید ازدواج ندارند، باکی نیست در حالی که خود را به زسوری نیاراستانند، و قصد خودنمایی ندارند جامه خویش به زمین نهند، و اگر از این نیز خودداری کنند برایشان بهتر است. خداوند شنوا و دانا است.

کیفیت استدلال به این آیه شریفه اینست که در این آیه حکم مربوط به زنان سالخورده ای است که امید نکاح ندارند، آنها میتوانند لباس خود را بردارند. از مفهوم آیه استفاده میشود که برای غیر زنان سالخورده این کار جایز نیست. پس لزوم ستر فی الجمله ثابت میشود. و معلوم است لباسی که در این آیه مورد ذکر است مثل چادر و روسری است صحیحه حلی هم بر این مطلب دلالت دارد.

«الْحَلْبِي، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)»  
 «أَنَّهُ قَرَأَ: أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ. قَالَ:»  
 «الْخِمَارُ وَالْجِلْبَابُ...» (۲)

حضرت فرمود: مقصود از آن یضعن ثیابهن روسری و چهارقد است. و دلالت مفهومی آیه مبارکه بر لزوم پوشیدن زن خود را از نامحرم ثابت است. از جمله این آیات، آیه ۵۹ سوره احزاب است که استفاده وجوب ستر از آن نمیشود، چون ذیل آیه علتی ذکر می کند که معلوم میشود مربوط به وضع زمان پیغمبر است. و در مورد بحث ما قابل استدلال نیست. و آیه این است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ بَيْنَكُمْ»  
 «وَ نِسَاءُ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ»  
 «مِنْ جِلْبَابِهِنَّ ذَلِكَ آذَنِي أَنْ يَغْرَبْنَ»  
 «فَلَا يُؤْذَنُ لَكُمْ أَنْ تُبَدِّلُوا رِجَالَكُمْ»

ای پیغمبر به همسران و دخترانت و به زنان مؤمن بگو که روسری های خویش را به خود نزدیک سازند، این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد ادب قرار نگیرند نزدیکتر است و خدا آمرزنده و مهربان است.

بنا بر این راجع به نظر به اجنبیه بدون لذت بهترین دلیل آیه ۶۰ سوره نور، و اجماع و ضرورت است. گر چه روایاتی در باب هست که هر چند دلالت آنها بر مطلب قابل مناقشه است، لکن چون توجه به آن روایات خالی از

فائده نیست بعضی از آنها را ذکر می‌کنیم .

"عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَمِعْتُهُ"

"يَقُولُ: "النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامٍ"

"إِلَيْهِنَّ مَسْمُومٌ، وَكَمْ مِنْ نَظْرَةٍ"

"أُورِثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً" (۳)

حضرت صادق (ع) فرمودند: نظرتیری از نبرهای سمی (زهرآگین) ابلیس است و چه بسا نظری (نگاهی) که حسرت طولانی بسبار آورده است .

"عَنِ الْكَاهِلِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ"

"عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّظْرَةُ بَعْدَ النَّظْرَةِ"

"تَزْدَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ، وَكَفَى بِهَا"

"لِضَاجِحِهَا فِتْنَةً." (۴)

نظر بعد از نظر در قلب ایجاد شهوت می‌کند، و این کافی است که صاحبش را به فتنه و فساد بکشد .

"عَنْ عَقِيبَةَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)"

"النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامٍ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ"

"مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا لِقَبْرِهِ، أَعْقَبَهُ"

"اللَّهُ أَمْنَا وَإِيمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ" (۵)

حضرت صادق (ع) فرمودند: نظرتیری از نبرهای مسموم ابلیس است . کسی که نظر را برای خدا ترک کند، نه برای غیر خدا . خداوند در پی آن امن و ایمانی به او عطا می‌فرماید که طعم آن را در خواهد یافت .

"عَنِ الْحَادِقِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ نَظَرَ"

"إِلَى امْرَأَةٍ قَرَفَعَ بَصْرَهُ إِلَى السَّمَاءِ"

"أَوْ عَشَّ بَصْرَهُ، لَمْ يَرْتَدِّ إِلَيْهِ بَصْرُهُ"

"حَتَّى يَرْجِعَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ" (۶)

کسی که به زنی نگاه کند، پس چشم خود را از او بردارد، خداوند در همان لحظه بسا و جزا میدهد، و برای او از حورالعین تزویج میکند . و این روایات بیش از حکم نظرازروی شهوت را نمی‌رساند، ولی ملاحظه و دقت در این احادیث شریفه لازم است، و امیداست ان‌شاءالله مفید باشد .

جواز نظر به وجه و کفین، وعدم وجوب ستر آن

از آنچه گذشت معلوم شد که پوشانیدن غیر وجه و کفین بر زن واجب است، و نظر به آن بر مرد حرام است . و در این جهت از لحاظ فقه اسلامی هیچگونه تردیدی وجود ندارد، بلکه همانطور که از صاحب جواهر نقل شد، از ضروریات مذهب است . و در این باره اختلاف و تشکیکی نه از نظر قرآن و روایات و نماز نظر

فتاوی نیست .

آنچه مورد بحث است، پوشش صورت و دستها تا سج است که از آن به وجه و کفین تعبیر میشود . و همچنین ظاهر شد که اگر نظر از روی تلذذ یعنی لذت بردن، یا ربهه یعنی خوف لغزش و وقوع در حرام باشد حرام است ولو به وجه و کفین و حتی نسبت به محارم، بلکه نسبت به معاتل و هم جنس . و این دو مطلب قطعی و بدون تردید است .

محل بحث پوشانیدن وجه و کفین، و نظر به آن است، اگر نظر از روی شهوت نباشد و خوف فتنه هم در بین نباشد . و هر چند بین علما و فقها عظام در این مسأله اختلاف است: بعضی پوشانیدن وجه و کفین را بر زن واجب و نظر به آن را بر مرد حرام میدانند و جمعی پوشانیدن را واجب نمیدانند و نظر را حرام نمیدانند، و عده‌ای هم احتیاط میکنند، لکن حق مطلب این است که: "ستر واجب نیست و نظر حرمت ندارد" و میتوان چند دلیل بر آن ذکر کرد:

۱- دلیل وجوب پوشیدن زن خودش را از نامحرم، و حرمت نظر مرد به زن نامحرم - چنانکه گذشت - دو آیه شریفه ۳۱ و ۶۰ - سوره نور بود که از جهت وجه و کفین اطلاق نداشت . بلکه آیه ۳۱ از ادله عدم وجوب پوشانیدن وجه (صورت) است، و بعدا بیان خواهد شد . و اما آیه ۶۰ سوره حزاب، وجوب ستر از آن استفاده نمیشود، علاوه بر اینکه "يُدْبِرْنَ عَوْنَهُنَّ مِنْ جَلْبَابٍ" بمعنای اینست که روسری‌ها را به خود نزدیک سازند تا در آن پوشیده باشند، نه اینکه روی خود را با روسری بپوشانند که معنی احتمال داده‌اند . و فقط از ادله وجوب ستر و حرمت نظر باقی میماند اجماع و ضرورت که دلیل لفظی نیستند تا بتوان به اطلاق آن تمسک کرد، و ادله لفظیه دیگری که ذکر فرموده‌اند و بعضی از آن را ما نقل کردیم، فقط موردی را بیان می‌کنند که جنبه شهوانی و ربهه و تلذذ در بین است، و همانطور که گفته شد حکم آن مسلم و خارج از بحث است، بنا بر این باید حد اجماع و ضرورت ملاحظه شود، و در مورد وجه و کفین اجماع و ضرورتی نیست، بلکه عده زیادی از فقها قائل به عدم وجوب ستر وجه و کفین و جواز نظر به آن هستند . و به عبارت دیگر: اجماع و ضرورت، دلیل لسانی است و در آن قدر متیقن از اجماع و ضرورت ثابت میشود و آن غیر وجه و کفین است، و در وجه و کفین حکم جواز است که اصل اولی در هر موردی است که شک در تکلیف باشد .

۲- با پوشش وجه و کفین خود بخود شعاع فعالیت زن به اندرون خانه محدود میشود، با در اجتماعات مخصوص زنان، و میتوان یقین داشت که چنین محدودیتی در اسلام نیست، زیرا این به معنای فلج شدن قسمت عظیمی از اجتماع است بدون هیچ سبب عقلانی . و خلاصه ملاحظه نتیجه حکم به وجوب ستر و عدم جواز نظر نسبت به وجه و کفین، و آثاری که در جامعه بر آن مترتب

۳- با پوشش وجه و کفین خود بخود شعاع فعالیت زن به اندرون خانه محدود میشود، با در اجتماعات مخصوص زنان، و میتوان یقین داشت که چنین محدودیتی در اسلام نیست، زیرا این به معنای فلج شدن قسمت عظیمی از اجتماع است بدون هیچ سبب عقلانی . و خلاصه ملاحظه نتیجه حکم به وجوب ستر و عدم جواز نظر نسبت به وجه و کفین، و آثاری که در جامعه بر آن مترتب

میشود، موجب قطع به عدم وجوب ستر و عدم حرمت نظر میشود .  
۳- اگر در اسلام پوشش وجه و کفین بر زنها واجب بود، و بر مردان نظر به وجه و کفین زنها حرام بود، باید مثل اینکه نظریه سایر اعضای زن حرمتش جزئی و قطعی است، آن هم قطعی شود و تردید و شکی نباشد، زیرا در علم اصول گفته شده است که مسائل محل ابتلای عمومی، تردید و شک در تکلیف در آن مسائل بدوی است، و با ملاحظه عموم بودن ابتلا، قطع به نبودن تکلیف حاصل میشود .

مثلا در غسل جمعه گفته میشود که اگر غسل جمعه واجب بود، باید وجوب آن مثل غسل جنابت قطعی شود چون مورد ابتلا عموم است

### بایوشش وجه و کفین

### اندرون خانه محدود

### داشت که جنبه

### اسلام

و قطعی نشدن وجوب در آن، موجب قطع به عدم وجوب است . و امثله آن در فقه زیاد است . از جمله در مسأله محل بحث یعنی وجه و کفین: اگر تکلیف الزامی در آن باشد چون مورد ابتلای عموم است بلکه بیش از ستر بقیه اعضا، و نظر به آن مورد ابتلا است باید قطعی باشد، از اینکه می‌بینیم حتی علما در آن خلاف فرموده‌اند، یقین پیدا می‌کنیم که وجوب ستر و حرمت نظر در بین نیست .

۴- به دو قسمت از آیه ۳۱ سوره نور برای اثبات جواز، استدلال شده اول، جمله:

"وَلَا يُدْبِرْنَ زَيْنَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا"

دوم، جمله:

"وَلِيُخْبِرْنَ بِخَيْرِهنَّ عَلَي جُيُوبِهِنَّ"

در مورد جمله اول، در تفسیر الا ما ظهیر، خضاب و سرمه و انگشتر و دستبند و امثال اینها ذکر شده که در صورت و دو دست نامح هستند . و این دلیل است بر جواز باز بودن دست و صورت، و الا معنائی برای جواز ظاهر بودن اینگونه زینتها نیست . و در این باره روایات هم هست که ذیلا بیان میشود . و در مورد جمله دوم گفته شده است که آیه دلالت دارد بر لزوم پوشانیدن گریبان، و اگر



.... در طول تاریخ مدعیان فضیلت و مجاهدت و شجاعت و تعهد به حق و دین بسیار بوده‌اند و هستند لیکن صاحبان فضائل و مجاهده و تعهد به حق و حقیقت در اقلیتند.

.... مرحوم مجاهد سعید ارزشمند ربانی شیرازی که اکنون در جوار حق آرمیده و ما از برکات وجودش محروم شدیم از این اقلیت بود..... او در حبسها و زجرها و نامالایمات با قامت راست انسانهای متعهد ایستادگی کرد و تسلیم نشد. او - که خدایش رحمت کند و به جوار قرب حضرتش بپذیرد - بسا روحی ملایم در مقابل دوستان و مؤمنان و مقاوم در برابر دشمنان خلق به لقاء الله پیوست و ما عقب ماندگان که احتیاج به این مردان حق داریم از آن کمال و جمال محرومیم. امام خمینی

صعدة بن زیاد از حضرت صادق (ع) نقل می‌کند که وقتی از حضرت در باره زینتی که زن می‌تواند آشکار کند، سوال شد، فرمود: صورت و دستها.

ب - روایت فضل بن یسار :  
 " قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ -  
 " الْفِرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ هُمَا مِنَ الزَّيْتَةِ "  
 " أَلَيْسَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى " وَلَا يُبْدِينَ "  
 " زَيَّتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ ؟ " قَالَ : نَعَمْ "  
 " وَمَا ذَوْنُ الْخِمَارِ مِنَ الزَّيْتَةِ وَمَا ذَوْنُ "  
 " الْبِضَارِيِّنَ . " (۸)

فضل بن یسار می‌گوید : از امام صادق (ع) پرسیدم آیا ذراعهای زن از قسمتهایی است که باید از غیر محارم بپوشاند. فرمود آری ، و آنچه زیر روسری قرار می‌گیرد باید پوشیده شود ، و همچنین از محل دستبند به بالا باید پوشیده شود .

و ما بدگر همین مقدار اکتفا می‌کنیم ، و تفصیل را به کتب مفصله موقوف می‌نمایم . و از آنچه ذکر شد حکم مسأله ظاهر و واضح است . و از ادله فوق نیز معلوم شد که واجب است لباس خاصی در آن اعتبار نشده ، و لباسی که جلب توجه کند باید اجتناب شود ، و دلیل آن همان ارتکاب منشرعه است . بنا بر این ، مسأله به این ترتیب است که بر زنها واجب است تمام بدن خود را از مود نامحرم بپوشانند ، و پوشاندن وجه و کفین لازم نیست و بر مردها حرام است به بدن زن نامحرم نگاه کنند ، و نظریه وجه و کفین مانع ندارد مگر از روی شهوت باشد یا خوف فتنه در بین باشد و در حجاب لباس خاصی اعتبار ندارد ولی جلب توجه نباید بکند .



- ۱- و سائل ج ۱۴ ص ۱۳۸ خبر ۴
- ۲- و سائل ج ۱۴ ص ۱۴۷ خبر ۲
- ۳- و سائل ج ۱۴ ص ۱۳۸ خبر ۱
- ۴- و سائل ج ۱۴ ص ۱۳۹ خبر ۶
- ۵- و سائل ج ۱۴ ص ۱۳۹ خبر ۵
- ۶- و سائل ج ۱۴ ص ۱۳۹ خبر ۹
- ۷- و سائل ج ۱۴ ص ۱۴۶ خبر ۵
- ۸- و سائل ج ۱۴ ص ۱۴۵ خبر ۱

پوشاندن صورت هم لازم بود بیان میکرد ، ولی استدلال به این قسمت از آیه محل تا مل است .

۵- روایاتی که در آنها جواز وجه و کفین معلوم میشود ، و از آن استفاده میکردند که آنچه موضوع ستر است مو و سر و امثال آن است از جمله آنها : صحیحه بزنی :

" عَنْ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ :  
 " سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَجْلِسُ لَهَا يَنْظُرُ "  
 " إِلَى شَعْرِ أَخْتِ امْرَأَتِهِ ؟ فَقَالَ : لَا "  
 " إِلَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ الْقَوَاعِدِ . قُلْتُ "

خودشعاع فعالیت زن به  
 میشود... و میتوان یقین  
 محدودیتی در  
 ایست.



" لَمْ تَكُنْ أَمْرًا مِنَ الْعَرَبِيَّةِ سِوَا ؟ "  
 " قَالَ : نَعَمْ ، قُلْتُ : فَمَا لِي مِنَ النَّظَرِ "  
 " إِلَيْهِنَّ . فَقَالَ : شَعْرُهُنَّ وَذُرَاْعُهُنَّ "

( و سائل ج ۱۴ ص ۱۴۴ خبر ۱ )  
 بزنی گفت : سوال کردم از حضرت رضا علیه السلام که آیا حلال است بر شخص که نظر به موی خواهر زنش کند ، فرمودند مگر آن زن از قواعد و سالخوردهگان باشد . عرض کردم خواهر زن و غریبه مثل هم هستند ؟ فرمود آری . عرض کردم چقدر برای من جایز است نگاه کنم فرمود : به موی او و ذراع او . و همینطور که ظاهر است در روایت ، موضوع ستر مو و مثل آن است ، و اگر وجه و کفین از جهت ستر و نظر محکوم به جواز نبود ، ذکر مو و ذراع بدون ذکر آن مورد نداشت . و نظیر این روایات بسیار است که تعرض به تمام آنها ضرورتی ندارد .  
 ۶- روایاتی که صریحا حکم وجه و کفین را بیان میکند :

الف : " خیر صعدة بن زیاد قال : سِعِفَتْ جَعْفَرًا "  
 " وَ سِئِلَ عَمَّا تَطْفِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زَيَّتِهَا "  
 " قَالَ (ع) : الْوَجْهَ وَالْكَفَيْنَ " (۷)